



سخنرانی در جمع گروهی از خانواده‌های شهدا، مفقودان، آزادگان و جانبازان استان بوشهر - 11 دی / 1370

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا و نبينا ابي القاسم محمد و على اله الطيبين الأطهرين المنتجبين

یکی از بزرگترین نعمتهای الهی بر جامعه‌ی اسلامی ما، وجود مردان شجاع و جوانان فداکاری است که از پیش از پیروزی انقلاب اسلامی تا امروز، در مقابل دشمنان انقلاب سپر کرده‌اند و با جان و خون خود، اسلام و انقلاب و راه خدا را نصرت بخشیده‌اند. بعضی از این عزیزان، در راه خدا به شهادت رسیدند و به درجات و نعم غیرمتناهی الهی بر شهیدان فائز شدند و به عنوان سند افتخاری برای ایران و اسلام و انقلاب اسلامی، و مایه‌ی آبرویی برای امام و رهبر راحل عظیم الشان ما، اسم آنها در تاریخ ثبت شد.

اگر ما بخواهیم شهدای جلیل‌القدر را در میزان ارزشهای اسلامی بسنجیم، بدون شك در عداد شهدای صدر اسلام قرار دارند، و شاید در مواردی از آنها برترند؛ چون شهدای صدر اسلام، در کنار نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) و امیرالمؤمنین (علیه الصلاة والسلام) حضور داشتند؛ نفس وحی را از پیامبر بزرگوار می‌شنیدند و لمس می‌کردند؛ اما شهدای زمان ما، بدون این‌که امام معصوم و نبی مکرم را مشاهده بکنند، با دعوت امام بزرگوار و راحل ما (رضوان الله تعالی علیه) و به اشاره‌ی آن نایب برحق معصومین (علیهم السلام)، در جبهه‌های خطر حضور پیدا کردند و نقش یک مجاهد فی سبیل الله را به بهترین وجهی ایفا نمودند. اگر شهدای عزیز ما نمی‌بودند و فداکاری آنها نمی‌بود، امروز این عزت و این عظمت برای اسلام نمی‌بود.

امروز شما وقتی به صحنه‌ی عالم نگاه می‌کنید، می‌بینید که پرچم اسلام در اهتزاز است؛ اسلام عزیز است؛ ملت‌های مسلمان برای حکومت اسلامی مجاهدت و تلاش می‌کنند؛ دل‌های مسلمین پُر از امید است؛ آینده برای مسلمانان روشن است و ملتها در مقابل قدرتهای جهنمی عالم، دچار ترس و رعب نمی‌شوند. آن احساس ذلت و زبونی‌یی که ملتهای ضعیف در طول دهها سال گذشته - بلکه قرنهای گذشته - دچار آن بودند، امروز از آن احساس ضعف و ذلت خبری نیست؛ ملتها شجاع و قوی و اهل اقدام و عمل شده‌اند.

اگر کسی با انصاف باشد و بخواهد این پدیده‌ی عظیم عالم را تحلیل بکند، به این نتیجه می‌رسد که همه‌ی این برکات، از برکت خون همین جوانان و فرزندان شماست؛ از برکت همین رزمندگانی است که در مدت سالهای بعد از پیروزی انقلاب، در جبهه‌های مختلف حضور پیدا کردند؛ جان خود را مورد توجه قرار ندادند؛ هدفهای الهی را مورد توجه قرار دادند؛ بعضی به شهادت رسیدند، بعضی مجروح و جانباز شدند و در عین جوانی، از عاقبت جسمانی محروم شدند؛ بعضی هم به اسارت دشمن درآمدند و سالها سختیهای زندان و شکنجه‌ی تسلط دشمن عنود را تحمل کردند؛ اینها بودند که آن عزت و آن عظمت را برای اسلام به ارمغان آوردند.

ای بسا پدر و مادری که جوان خود را درست نمی‌شناختند. من گاهی که با پدران یا مادران شهدای عزیز دربارهی شهیدشان گفتگو می‌کنم، آنها به من می‌گویند که فرزندشان تا زنده بود، عظمت روحی او را درست درک نمی‌کردند. جوان آنها، همان کودکی است که او را بزرگ کرده‌اند. پدران و مادران، درست نمی‌توانند عظمت این مجاهد



فی سبیل الله را درک کنند؛ بلکه ملت نمی‌تواند عظمت این ستارگان درخشان را بفهمد. بنده عرض می‌کنم که ما هنوز قادر نیستیم عظمت کار این شهدای عزیز را درست تشخیص بدهیم. آیا می‌دانید که این شهدای بزرگوار ما - همین جوانان فداکار ما، همین بسیجی مؤمن پُرشور عاشق‌وش ما، یا ارتشی و سپاهی ما - چه عظمتی در دنیا و در تاریخ آفریده‌اند؟

اسلام را در کنج انزوا قرار داده بودند. جهانخواران و غارتگران عالم، داشتند کاری می‌کردند که از اسلام نامی بر صفحه‌ی روزگار و در دل‌های مردم باقی نماند؛ قصد داشتند اسلام را بکلی از بیخ و بن برکنند. این کار را آسان هم نکرده بودند؛ میلیاردها خرج کردند. نقشه‌کشها و متفکران مزدورشان، شبها و روزها و سالهای متمادی فکر کردند، آدمها کشتند، شهرها ویران کردند، حکومتها بردند و حکومتها به جای آنها آوردند، در همه‌ی جای کشورهای اسلامی علما را کشتند، مدارس را ویران کردند، نام دین را از صفحه‌ی در و دیوار شهرها شستند، تا شاید بتواند اسلام را از بین ببرند.

این کارها کی انجام گرفت؟ این کارها مربوط به هزار سال و پانصد سال و دویست سال قبل نیست؛ مربوط به همین عمر من و شماست. در دوران رژیم منحوس پهلوی، در همین کشور این کارها انجام شد. در همین شهرها، حتی در همین روستاها، و در همه‌ی جای دنیای اسلام، خصمانه و با دل پُر از کین، داشتند با اسلام می‌جنگیدند، تا اسلام را بکلی از صفحه‌ی روزگار زایل کنند و از بین ببرند. چرا؟ چون اسلام با قدرت‌طلبی‌هاشان، با سلطه‌گری‌هاشان، با غارتگری‌هاشان، با آدمخواری‌هاشان، با فسادهاشان، با فحش‌هاشان، با آدم‌کشیه‌هاشان، با توطئه‌هاشان بر ضد انسانیت مخالف بود. می‌خواستند آزاد و بی‌مهار باشند و هر کاری که می‌خواهند، بکنند؛ اما اسلام مانع بود. لازم می‌دانستند که اسلام را از بین ببرند، و داشتند می‌بردند، که این انقلاب الهی مثل فجر نوری درخشید.

قبل از این انقلاب، آن‌جایی که در دنیا مسلمانان زندگی می‌کردند، از مسلمانی خودشان احساس افتخار نمی‌کردند. خیلی از مسلمانان به خاطر احساس حقارتی که در مقابل غیرمسلمین داشتند، دم از مسلمانی نمی‌زدند. ملت‌های مسلمان هر جا بودند، خود را کوچک، زبردست و حقیر احساس می‌کردند. انقلاب مانند کوره‌ی آتشفشانی دنیا را تکان داد و همه چیز را دگرگون کرد؛ باورها را عوض کرد، احساسها را عوض کرد، مسلمانان را عوض کرد؛ نه فقط در ایران، بلکه در همه‌ی دنیای اسلام.

امروز سران کشورهای مسلمان، حتی آنهایی که از اسلام بهره‌ی چندانی هم ندارند، خود را مجبور می‌بینند که به اسلام تظاهر کنند! چرا؟ چون ملت‌ها اسلام را می‌خواهند. امروز دستگام‌های کفر و استکبار جهانی، در مقابل مسلمین احساس رعب می‌کنند. چرا؟ چون مسلمانان دیگر احساس حقارت ندارند. مسلمانان، امروز در هیچ نقطه‌ی دنیا از مسلمانی خودشان خجالت نمی‌کشند؛ بلکه به آن افتخار می‌کنند؛ اینها را انقلاب کرد.

در این حرکت عظیم، نقش همین بچه‌های شما، همین شهیدان شما، همین به‌خون‌غلتیدگان جبهه‌های نبرد و سایر جبهه‌ها، نقش اول است. ما امروز هنوز قادر نیستیم عظمت این کار را درک بکنیم؛ تاریخ درباره‌ی اینها قضاوت خواهد کرد.

ما در تاریخ، زندگی شهدای گرانقدر زمان پیامبر را که مطالعه می‌کردیم - حنظله‌ی غسیل الملائكة را، حمزه را، آن دو



برادر شجاع جنگ احد را، و دیگران و دیگران را - تعجب می کردیم؛ اما این جوانان ما، هزاران حمزه‌ی سیدالشهداء و هزاران حنظله‌ی غسیل الملائکه را به ما نشان دادند؛ به چشم خودمان آنها را دیدیم و عظمت آنها را درک کردیم. جانبازان و آزادگان و مفقودان غریب عزیزمان هم مثل آنها هستند.

من همیشه به خانواده‌های شهدا گفته‌ام که شهدای ما خط مقدمند؛ پشت سر شهدا، خانواده‌هاشان هستند؛ همین پدران و مادران و همسران که به رزمندگی جوان و مرد خانه و محبوبشان افتخار کردند؛ از کشته شدن او نترسیدند؛ او را از رفتن منع نکردند؛ حتی مادران بچه‌هاشان را تشویق کردند! چه می‌شنویم و چه می‌بینیم؟! این چه حوادث عظیمی است در زمان ما و در مقابل چشم ما؟! اگر این حوادث در تاریخ بود، انسان با تردید آنها را می‌گفت. خیلیها هم در بیرون از این مرزها، این مسائل را با تعجب زیاد می‌شنوند؛ اما شما خودتان آنها را لمس کرده‌اید.

در رفتن به میدان جنگ، پدران با فرزندانشان، و فرزندان با یکدیگر مسابقه گذاشتند! همسران غصه خوردند و گریه کردند که چرا آنها نمی‌توانند به میدان جنگ بروند؛ و صبر کردند و در خانه‌ها نشستند و پشت جبهه را نگاهداشتند؛ بعد هم که آن رزمنده شهید شد، پدران و مادران و همسران و فرزندان شکر کردند و به شهادت شهیدشان افتخار نمودند! این است که شعله‌ی یک نهضت، همچنان زنده می‌ماند. این است که امام بزرگوار، قله‌ی عزت و عظمت را برای اسلام فتح می‌کند. این است که ملت‌ها صریحاً می‌گویند: ای ملت ایران! ما از شما یاد گرفتیم؛ شما معلم ما هستید.

من به شما عرض می‌کنم که ای پدران و مادران و همسران و فرزندان و برادران و خواهران شهدا! این آبرو و این روحیه را برای خودتان حفظ کنید؛ همچنان که بحمدالله حفظ کرده‌اید. دنیا تاریک و پر از ظلم است. ملت‌ها تنه‌ایند و احتیاج به پشتگرمی دارند. روحیه‌ی شما و تداوم نهضت شما و استقامت شما، مایه‌ی روحیه و پشتگرمی برای ملت‌هاست. شما زنان مسلمان، برای زنان فلسطین و زنان کشورهای اسلامی، مایه‌ی دلگرمی هستید. صریحاً می‌گویند که ما از شما - بخصوص از شما جوانان - یاد گرفته‌ایم. این مقاومت را حفظ کنید و این ایستادگی را غنیمت بشمارید. با استقامتتان، با وحدتتان، با حضورتان در صحنه‌های گوناگون سیاسی و اقتصادی و سازندگی و اداره‌ی کشور، و با پیشبرد کارها و پشت سر مسؤولان قرار گرفتن، آبرویی را که به اسلام داده‌اید، تداوم ببخشید؛ شماها اسلام را زنده کردید.

بهترین مردنها، شهادت است. بالاترین اجرا برای انسانی که در راه خدا مبارزه می‌کند، نوشیدن شربت گوارای شهادت است. خوشا به حال آن عزیزان، و گوارا باد بر آنها این نعمت بزرگ الهی! آنها با شهادت، اجرشان را گرفتند. شهادت، یعنی وارد شدن در حریم خلوت الهی، و میهمان شدن بر سر سفره‌ی ضیافت الهی؛ این کم چیزی نیست؛ این خیلی باعظمت است. پروردگارا! تو را به حق خون شهیدان، تو را به حق اولیاییت، تو را به حق صاحب‌الزمان (ارواح‌نفاذ)، مرگ ما را هم به شهادت در راه خودت قرار بده.

اگر انسان مسلمان، با روحیه‌ی شهادت‌طلبی در میدان بماند، هیچ قدرتی نمی‌تواند بر او فایق بشود؛ این روحیه را باید حفظ کرد. من به خانواده‌های عزیز شهدا، مخصوصاً فرزندانشان - این جوانان و نوجوانان عزیز - توصیه می‌کنم، هرچه می‌توانید، خودسازی کنید. همه باید خودسازی بکنند؛ اما شما اولی هستید.



امام بزرگوار ما (رضوان الله تعالى عليه)، نسبت به شهدا و خانواده‌هاشان بسیار حساس بودند و بسیار دل در گرو فکر آنها داشتند؛ و این يك نمونه از عمل بندگان صالح خداست.

راه عزت، راه کرامت، راه سربلندی در دنیا و کسب رضای الهی در آخرت، راه انقلاب و راه ایستادگی در مقابل دشمنان خداست. دشمن می‌خواهد ملت ایران را خسته کند؛ غافل از این که این ملت با این عظمت و با این همه خون ریخته شده در راه خدا، هرگز از ادامه‌ی راه خدا خسته نخواهد شد. دشمن می‌خواهد این سرمشق را از ملتهای مسلمان بگیرد؛ می‌خواهد وانمود کند که این ملت خسته شده و در راه خود متزلزل گردیده است. شما همیشه نشان داده‌اید که دشمن دروغ گفته است؛ باز هم باید نشان بدهید؛ باز هم باید ادعای دروغ دشمن را تخطئه کنید؛ و این با حضور در صحنه‌های انقلاب است.

جانبازان عزیز هم شهدای زنده‌ی ما هستند؛ چون مثل شهید به میدان جنگ رفته‌اند و مثل شهید ضربت خورده‌اند؛ منتها کرامت الهی آنها را حفظ کرده است. اینها زنده‌اند، اما در رتبه‌ی شهیدان. به این عزیزان هم توصیه می‌کنم که این کرامت الهی را برای خودشان حفظ کنند؛ «لذین احسنوا منهم و اتقوا اجر عظیم». (1) باید همیشه آن روحیه‌ی را که آنها را در میدان نبرد به پیش می‌برد و به فداکاری وادار می‌کرد، حفظ کنند. البته همه‌ی دستگاهها موظفند که قدر و ارج این عزیزان - چه خانواده‌ی شهدا، چه جانبازان، چه آزادگان، چه خانواده‌هاشان، چه فرزندان‌شان - را حفظ کنند. بالاتر از همه‌ی اینها، لطف و تفضل الهی است، که امیدواریم همواره شامل حال شما باشد و بماند.

پروردگارا! تو را به ارواح مطهره‌ی شهدای عزیزمان سوگند می‌دهیم که فضل و رحمت خود را بیش از پیش بر شهدا نازل بفرما. خداوندا! به خانواده‌های عزیزشان اجر وافر و صبر و استقامت عنایت کن. پروردگارا! به جانبازان عزیز ما صبر و عافیت عنایت بفرما. پروردگارا! مفقودان عزیز ما را - اگر هستند و هرجا هستند - در کنف حمایت خودت حفظ کن و خبر خوشی از آنها به خانواده‌هاشان برسان.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

(1) آل عمران: 172